

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ و ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۱ • ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۱۶ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۲۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۰
اذان صبح فردا ۴:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

ساعت

دیالوگ روز

اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر- شهرام مکری - ۱۳۸۶

روانزیشک (علا محسنی): انگل یا غیرانگل، این آخرین جلسه ماست.

از شنیدن حرفات خسته شدم، شب‌ها کابوس می‌بینم. دیگه جرئت نمی‌کنم حتی به لیوان آب بخورم.

اگه آب تو بطری نباشه فکر می‌کنم نشونه‌ایه برای خودکشی.

اشکان (سینا ازانی): دکتر، تو اوان لحظه تمرکز کنین روی یه چیز دیگه.

پنجره شهر

شادی گمشده



زهرا آژادبهرام

این‌ا از بدیهیات است که برای ساختن یک شهر با استانداردهای مناسب زندگی باید تمهیداتی هم برای شادبودن ساکنان آن اندیشید. شهرها باید فرصت شادبودن و شادی‌کردن را به ساکنانشان بدهند. این مسئله وقتی اهمیت پیدا می‌کند که به ترکیب جمعیتی شهرها هم نظری بیندازیم. برای نمونه در ایران با توجه به اینکه بخش درخور توجهی از جمعیت را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، اهمیت ایجاد فضای بانشاط در شهرها دوچندان می‌شود؛ چراکه برآورده‌کردن این نیاز در میان افرادی که در این رده سنی قرار دارند، بیش از بقیه اهمیت دارد. نوجوانان و جوانان آینده‌سازان این کشور هستند؛ برای همین توجه به سلامت روح و روان آنان باید یکی از اولویتهای هر جامعه‌ای باشد. از آنجایی که شهرها کانون زندگی ما هستند، می‌توان گفت شهرها می‌توانند بهترین فرصت را برای شادی‌آفرینی برای آنان فراهم می‌کنند. فرصت بهره‌گیری از فضای شهری، فرصت بهره‌گیری از امکانات محله‌ای و حرکات خودجوش شادی‌آفرین، پتانسیل‌های مطلوبی برای تمرین مشارکت و برنامه‌ریزی آینده است. جوانان باید پیام‌وزن خودشان برای خودشان برنامه‌ریزی کنند. برنامه سازمان‌ها و نهادهای محلی برای ایجاد فضای شاد در شهر کمکی است که به آنها می‌شود. اما مهم‌تر از آن، جوانان و نوجوانان باید پیام‌وزن خودشان چگونه برنامه‌های شادی‌آفرین را برای جامعه‌شان طراحی و برنامه‌ریزی کنند. به این ترتیب می‌آموزند که شادی باید بخشی از زندگی آنها شود. این چنین می‌شود که آنها می‌توانند با مفهوم شادی زندگی کنند. برای همین توجه به اینکه نوجوانان و جوانان شادی‌های خودجوشی داشته باشند، بسیار مهم است و شهرها باید کانون بروز آن باشند. از این‌رو باید از مسخ‌تیرگی‌های بازدارنده در برابر شادی و خوشحالی جوانان دست کشید و به آنها فرصت بروز و ظهور داد. به آنها این امکان را داد تا با یک سبک زندگی استاندارد، سلامت روح و جسم‌شان را تضمین کنند. ما باید پیام‌وزیم که نوجوانان و جوانان زندگی پرلتهایی دارند. از این‌رو سوق‌دادن آنها به سمت یک زندگی شاد می‌تواند آنها را در برابر تازامی‌های زندگی محافظت کند. درواقع به‌کارگیری ابزارهای کنترلی اثری منفی روی آنها می‌گذارد. در مقابل اگر بتوانیم جوانان و نوجوانان را به سمت شادی‌آفرینی سوق دهیم و به آنها پیام‌وزیم که از پتانسیل‌های شهر برای این منظور استفاده کنند، به نوعی قدرت اختیار و انتخاب آنها را تقویت می‌کند. قدرت اختیار و انتخاب همانی است که نوجوان و جوان ما را آماده می‌کند تا در آینده بر اساس آن زندگی‌اش را برنامه‌ریزی کند. یکی دیگر از آثار مثبت زندگی شاد این است که می‌تواند به ما امکان مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌های زندگی را بدهد. پس اگر به شادی و شادی‌آفرینی اهمیت می‌دهیم، باید به اختیار و انتخاب نوجوانان هم برای برگزیدن این سبک زندگی شاد احترام بگذاریم. نقش مدیران شهری، مدیران فرهنگی و آموزشی این است که اطلاعات مناسب را در اختیار نوجوانان و جوانان قرار دهند. باید آنها را آموزش داد ولی کنترل‌گری کامل در این مسیر قطعاً جواب نخواهد داد. این سطح بالای کنترل‌گری موجب می‌شود در آینده هم با جوانان و نوجوانانی ناتوان در سطوح فرهنگی و اجتماعی مواجه شویم. ظرفیت‌های شهری برای شادی‌آفرینی جوانان و نوجوانان بسیار است. از مسابقات محلی بگیرید تا ایچاد گروه همسالان و بهره‌برداری از فضاهای سرباز و سرسته شهری همه و همه فرصت‌های مناسبی برای شادی‌آفرینی شهری است. فراموش نکنیم که این گروه‌ها آینده این کشور هستند و هر قدر فرصت شادی‌های خودجوش را به آنها بدهیم، درواقع فرصت نوآوری‌کردن را در آنها ایجاد کرده‌ایم. فرصت نوآوری کمک می‌کند تا پتانسیل بیشتری از نوجوانان برای آینده فعال شود.

نکته پایانی در این میان توجه به اقتصاد شادی است.

اقتصاد شادی از دو جهت معنا پیدا می‌کند. یکی ایجاد زیرساخت‌های شادی‌آفرینی که خودش تبدیل به چرخه‌ای

مالی و اقتصادی می‌شود و دیگری توان خانواده‌ها از نظر اقتصادی برای پرداختن به شادی و نشاط است. از این‌رو اگر به

دنیاال ایجاد فضاهای شاد در شهر هستیم، باید اقتصاد شادی

را هم جدی بگیریم.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ و ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵



● تهران در این روزها گرمای حدود 40درجه را تجربه کرد. این امر تردد در شهر را برای شهروندان در ساعات گرم روز دشوار ساخته است
عکس: آزاده ترکمن/فارس

تفاوت پول در ذهن مهاجر و توریست

کرده می‌سازد. او پس از این مواجهات است که در بازگشت به مبدأ، درباره مقصدی که به آن سفر کرده سخن می‌گوید. سخن و نظراتی که از ذهن یک توریست نسبت به مقصد بیان می‌شود، فارغ از واقعیت جاری در آن جغرافیای مقصد سفر است و بیشتر، روایتی از بیرون است از داخل مبدایی که به آن باز گشته. از این روست که نتایج یا سخنانش، فاقد جامعه‌شناسی صحیح و بری از استنتاجی است که نسبت به آن جغرافیای مدنظر لحاظ قرار داده شود. بسیاری از دیتاهایی که به ما از جغرافیاهای دیگر رسیده است برآمده از این بعد سفر است. بر ساخته‌شده از ذهن توریستی و روایت‌شده از جهان ذهنی‌ای که فاقد فاکتورهای درون‌متنی جغرافیای مدنظر است. اما ذهن مهاجر در مواجهه با پول چگونه عمل می‌کند؟ او ذهنش از مبدأ جدا کرده و پول را نه در مقایسه با مبدأ که در مقایسه با خود همان جغرافیا فهم می‌کند. مهاجر در مواجهه با چیزها، قیمتی که می‌بیند را با ارزش پول در همان مقیاس و جغرافیای می‌سنجد و به پشت سر و ارزش پولی مبدایی که از آن هجرت کرده، نگاه نمی‌کند. در ابتدای هجرت شاید چنین باشد اما به مرور ذهن او از مقایسه می‌ایستد و ارزش پولی را در همان نقطه بازمی‌شناسد. این فاکتور ذهنی ساده است که نشان می‌دهد مهاجر قبول کرده که باید در آن جغرافیا و برآمده از آن جغرافیا ارزش مادی را فهم کند. نشان می‌دهد که او حالا هجرت کرده است و دیگر بند پولی ارزش سنجش قطع شده است. این نکته چند ملزوم دارد و البته که باید در نظر گرفته شود. ملزوم اولش این است که مهاجر



رضا صدیق

تفاوت معنایی میان «توریست» بودن و «مهاجر» نامیده‌شدن ابعاد مختلفی دارد. توریست بیش از آنکه یک معنای مستقل باشد، سوزه و نامی است که از مناسبات جاری تجارت سفر بر ساخته شده و بیشتر در قالب یک فیگور قابل‌فهم است. به همان میزان اما «مهاجر» ایزه‌ای است که پیرامون به‌واسطه او معنا می‌شود. تصویر «پول» در ذهن، یکی از وجه تمایزهایی است که فرد می‌تواند به نسبت آن متوجه شود که توریست است یا مهاجر. در ذهن توریست، پول «چیزها» در مقصد مدام در حال مقایسه‌شدن است با «پول» مبدأ. به این معنا که وقتی به‌طور مثال از بیوری اروپا یا دینار جهان عرب استفاده می‌کند، مدام در ذهن خود به قیمت ریال و تومان بازمی‌گردد و به دنبال این است تا بداند این مقدار عدد پولی در این نقطه از جغرافیا چند تومان یا ریال مبدایی که از آن مسافرت کرده است. توریست مدام در حال ضرب و تقسیم است و در گوشه ذهنش مدام ارزش پولی را بالا و پایین می‌کند. به همین میزان نیز نسبت به چیزها موضع می‌گیرد که می‌ارزد این قیمت یا نمی‌ارزد به این قیمت. همین نقطه ذهنی نیز فرایند فهم او را از نقطه‌ای که به آن سفر

حرف دل

پرده انشا

اکبر یوسفی؛ باند پهنا نداشت و شاد مدام قطع و وصل می‌شد. معلم‌ها خسته شده بودند. البته معلم‌های جوان‌تر در راه‌روی مدرسه به گمان اتصال مجدد کلاس‌ها با مهدی خانی گدعه گرفته بودند. مهدی خانی برای امتحان انشای بچه‌ها رفته بود عبدال‌آباد و پرده خریده بود! در سالن آزمون یک پرده بزرگ روی زمین گذاشته بود و زیر آن ناهموار به نظر می‌رسید. انکار که چند جعبه و صندوق زیر آن پنهان کرده بود. صندوق دانش‌آموزان دور تا دور این پرده ورم کرده، منظم شده بود. آنها باید می‌نوشتند که زیر این پرده چیست، جنس و کاربرد آنها چیست و اگر در زندگی ما نباشد، چه می‌شود، حالا که هست چه دردی از ما دوا می‌کند و از این دست سؤال‌ها... کلا مهدی خانی جور دیگری معلم بود. مثلاً روزی به دانش‌آموزانش تکلیف داده بود که وصیت‌نامه بنویسند. لازم به ذکر نیست که فردای آن روز از طرف چند ولی دانش‌آموز، دفتر مدرسه روی سر مدیر آوار شد. اما مهدی خانی می‌گفت باید بداندند که دنیا فانی است تا وقتی به منصبی رسیدند، اختلاس نکنند! روز دیگر برای انشا گفته بود شهرکی را متصور شوید که در آن می‌خواهید زندگی کنید. چه امکاناتی لازم دارید. به ترتیب اولویت بنویسید. خیلی‌ها سال‌ها سینما و تئاتر را نوشته بودند. مهدی خانی عصبانی بود که چرا همه اولویت اولشان بیمارستان بوده و هیچ‌کس مثلاً به سرویس بهداشتی عمومی اشاره نکرده و البته سخت‌ترین قسمت ماجرا آنجا بود که عده‌ای حتی اعتقاد به وجود مدرسه نداشتند. از آن روز مهدی خانی آرامش را در دور دست‌ها بر درخت فراموشی گره کرد و آستین همتش را بالا زد. روزی در کلاسش شنیدیم که می‌گفت: «اگر می‌خواهید خوب ببینید چشم‌های‌تان را ببندید و اگر روزی خواستید ثروتمند شوید به‌جای حساب بانکی ذهن‌تان را پر کنید. همیشه و همیشه به دنبال حقیقت باشید. آئیس الصبح بقریب» حقیقت به اندازه تلاش ما برای ترویج، همگانی می‌شود. پس هم به دنبالش باش و هم واضحش بده».

و البته این داستان را برای بچه‌ها گف‌ت که «یک روز حقیقت و دروغ با هم رفتند دریا تا شنا کنند، حقیقت لباسش را درآورد و دروغ لباس‌های حقیقت را درزدید. از آن پس حقیقت عریان است و دروغ در لباس حقیقت زیباست». آن روز هوای تهران اجازه دیدن پناهگاه را داد. «هودا ۸۱

یاد

مهتاب یکی از حافظان سرزمین



مستقل باشد و از مبدأ تطمع نشود. زیرا تا زمانی که پشتوانه بودنش در هجرت ارزش مالی مبدأ باشد و از آن سو ارتزاق شود، ذهنش هیچ‌گاه وضعیت هجرت را به معنای جغرافیایی آن منطقه درک نخواهد کرد. ملزوم دوم نیز که مزید بر نکته اول است این است که مهاجر، از دل همان جغرافیا درآمد داشته باشد. این نکته است که سطح اجتماعی تعریف‌شده در آن جغرافیا را درک خواهد کرد. زیرا دیگر بخشی از نظم اجتماعی مالی در آن جغرافیا شده است و می‌تواند وضعیت بودنش را به نسبت سطح اجتماعی اهالی آن جغرافیا فهم کند. خط فقر و خط طبقه متوسط بودن مردمان را بفهمد و درآمدش را نسبت به ارزش مالی آن جغرافیا بسنجد. مسئله «پول» در جهان امروز و زیست اجتماعی با تمام نکات نقض و نقدهای طبقاتی وارده بر آن، تعیین‌کننده زاویه تماشا‌ی فرد به جهان پیرامون است. نسبت او با مسئله پول در موضوع هجرت، می‌تواند تعیین‌کننده دیدگاه او باشد. از دل همین مناسبات است که مهاجر شرقی و خاورمیانه‌ای در دل بلاد فرنگ غرب، به شهود و اکتشاف معناهای صنعتی و دست‌سازی چون رفاه و آسایش می‌رسد. او از دل طی‌کردن همین فرایند ذهنی است که می‌تواند هجرتش را معنا دهد و به فهم دیگرگونه از مسئله هجرت و معرفت‌شناسی هجرت برسد. از این روست که طی‌شدن موقعیت ذهنی توریست به مهاجر، سبب تحولاتی در ذهن می‌شود که هستی‌شناسی فرد را دچار دگرگونی کرده و او را در مقابل سؤالات فراوانی قرار خواهد داد.

چه خبر

یک بازیگر قدیمی در گذشت



روح‌الله مفیدی ۲۴ تیرماه، یک روز پس از یک دهه مبارزه با سرطان، در ۹۳سالگی چشم از جهان بست. او با لهجه یزدی‌اش و بازی در سریال‌هایی «مرادبرقی» و «دایی‌جان ناپلئون» برای قیل از انقلاب و سریال‌های بعد از انقلاب «کل پامچال»، «آینه عبرت» و «همسران» به یادها مانده است. مفیدی هفتم مرداد ۱۳۰۸ در یزد به دنیا آمد و از سال ۱۳۲۷ بازی در تئاتر را آغاز کرد و در حوزه نقاشی و مجسمه‌سازی هم فعالیت داشت اما در ابتدا به‌عنوان یک گرمبور خلاق شناخته می‌شد. مفیدی آخرین بار بیش از یک دهه پیش در فیلم سینمایی «به حبه قند» به کارگردانی سیدرضا میرکمبی در زادگاهش یزد برابر دوربین رفت و سال ۹۲ با بازی در سریال «آب پریا» پرونده بازیگری‌اش را برای همیشه بست. او در سال‌های اخیر به دلیل سرطان در سینما و سینما فعالیت نداشت. یک روز پیش از مرگش، فیلم «به حبه قند» از شبکه آی‌فیلم پخش شده بود. او در این سریال نقش پزشکی را بازی کرده بود که برای دادن جواز کفن وارد می‌شود. روح‌الله مفیدی نصرآبادی سال ۱۳۳۰ «پریچهر» حضور جلوی دوربین سینما را تجربه کرد و در ۲۵ سال پیش از انقلاب حدود ۳۰ فیلم به کارنامه خود افزود؛ ازجمله در «تنگسیر» امیر نادری که از فیلم‌های تحسین‌شده سینمای ایران در آن سال‌ها بود. نخستین فیلم او پس از انقلاب «پاییزان» رسول صدرعاملی در سال ۶۰ و آخرین آن «به حبه قند» بود (درمجموع ۱۸ فیلم) که سال ۹۰ تولید شد. همچنین بازی در سریال‌هایی همچون «شلیک نهایی»، «هتل»... نیز در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد و در هفته‌های قبل بخش‌هایی از سریال «آینه عبرت» نیز از شبکه‌های صداوسیما پخش شده است.

راه طولانی‌ای را آمده و حالا آفتاب عمرش به همین دیوارها رسیده که کوتاه‌اند و کاهگلی. دخترک را درست به همین خاطر نشانده کنارش. تا قسمت کند این کوک و گره‌های آخر را. یکی برای خودش و یکی برای آینده سوزن‌دوزی اصیل بلوچی. از تاریخ عکسی که گرفته‌ام، ۱۶ سال گذشته است. مهتاب شش سال بعد از این عکس، در همان کارگاه کوچکش، دختران بسیاری را سوزن‌دوز کرد و ۲۴ تیر می‌شود ۱۰ سال که میراث فرهنگی کشور، یکی از حافظان و حافظه‌های خود را از دست داد.

● **رئیس هیئت‌مدیره انجمن مستندسازان**

گزارش

سینما در التهاب

بیش از یک هفته از بازداشت سه سینماگر گذشته است. جعفر پناهی که طبق سخنان همسرش اکنون در بند عمومی است و داروهایش را نیز دریافت کرده است. از دو سینماگر دیگر خبری در دسترس نیست. ایندی وایر به‌عنوان یک رسانه سینمایی مهم جهان درباره این بازداشت‌ها و هم‌زمان شرایط کنونی ایران تحلیل و گزارش‌ی نوشته است. در این گزارش با چند سینماگر ازجمله مانی حقیقی درباره این شرایط گفت‌وگو شده و به رویکرد اصغر فرهادی از منظر سیاسی و همچنین نحوه معرفی فیلم ایران به اسکار پرداخته است. همچنین درباره جایگاه سینماگر، مهاجرت و شرایط آنها در این زمانه تحلیلی ارائه داده است. هرچند این گزارش که نوشته «اریک کان» منتقد شناخته‌شده فیلم است، تحلیل تمام شرایط حال حاضر ایران را دربر گرفته است. از جمله مسائلی مانند گشت ارشاد، حجاب و اعتراضات و... حتی ماجرای متروپل و صاحب آن که اطلاع داده شد جسدش پیدا شده و تردیدهایی در این زمینه وجود دارد با ...

بیانیه‌ها و جشنواره ها

در این گزارش به جایگاه فیلم‌سازان دستگیرشده نیز پرداخته و همچنین به بیانیه‌ای که سینماگران درباره آبادان امضا کرده‌اند نیز اشاره شده است. پس از دستگیری رسول اف و آل احمد، فیلم‌سازان بیانیه‌ای دیگری منتشر کردند و خواستار آزادی آنها شدند. بیانیه‌ای که درحال حاضر بیش از ۶۰۰ امضا دارد. پناهی پیش از بازداشت جزء امضاکنندگان بیانیه دوم بود و آن را در صفحه اینستاگرام خود نیز منتشر کرد. در این مدت جشنواره‌های مختلفی مانند کن، برلین، ونیز و... نسبت به بازداشت این فیلم‌سازان جهانی اعتراض کرده‌اند و البته در این گزارش پیش‌بینی شده است، آخرین اثر ساخته‌شده پناهی به جشنواره‌های پاییز راه یابد.

مانی حقیقی

در بخشی از این گزارش گفت‌وگویی با مانی حقیقی که نامش در هردو بیانیه به چشم می‌خورد، انجام شده است. همچنین به فیلم اول این کارگردان به نام «آبادان» اشاره شده است. او درباره این شهر به ایندی وایر می‌گوید که آبادان قبل از انقلاب، مکان بسیار زیبایی بود که همه کارمندان بریتانیایی شرکت نفت در آن زندگی می‌کردند مردم تصور رمانتیکی از این شهر دارند. این کارگردان به ویران‌شدن بخش زیادی از این شهر در زمان جنگ ایران و عراق اشاره می‌کند. مانی حقیقی گفته‌که فرورختن متروپل تبدیل به استعاره قوی از بیان شرایط کلی کشور شد».

اصغر فرهادی

در این گزارش به اشتباه گفته شده که اصغر فرهادی جزء امضاکنندگان بیانیه برای آزادی سینماگران نیست و بر اساس این گمان اشتباه تحلیل و گفت‌وگو نیز انجام داده است. ایندی وایر به اصغر فرهادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان بین‌المللی اشاره کرده و گفته او به‌صورت عمومی به بازداشت‌های اخیر واکنش نشان نداده. ایندی‌وایر خبیر داده اصغر فرهادی به درخواست این رسانه برای گفت‌وگو دراین‌باره پاسخ نداده است. طبق تحلیل ایندی‌وایر رویه آقای فرهادی برای بسیاری از اعضای جامعه سینمایی ایران تعجب‌برانگیز نیست؛ جمشید اکرمی گفته که اصغر فرهادی یکی از فیلم‌سازانی است که فکر می‌کند اگر بیانیه‌ای دارد، باید آن را در فیلم‌هایتان بگذارید. ایندی‌وایر در ادامه به اتفاقات مربوط به صحبت‌های اصغر فرهادی در زمان نمایش «قهرمان» در جشنواره کن و واکنش محمد رسول‌اف به آن اشاره کرده است اما مانی حقیقی که پیش‌تر در نوشتن فیلم‌نامه «چهارشنبه‌سوری» و بازی در «درباره‌الی» با فرهادی همکاری داشته، از عملکرد آقای فرهادی دفاع کرده و گفته «این برای من بسیار عجیب است که انتظار دارند چون هنرمند بسیار خوب و موفق هستی، ناگهان این مسئولیت را دارید که درباره همه مسائل پیامون صحبت کنید. اصغر فرهادی رهبر افراد معترض نیست، او استاد هستی اما مانی حقیقی که پیش‌تر در نوشتن فیلم‌نامه خالص بودن است».

پیشنهاد تغییر روند اسکار

مسئولیت معرفی فیلم ایرانی به اسکار بر عهده بنیاد فارابی بود که بستگی به رابطه نزدیک بین دولت و سینماگران، از خانه سینما نیز افرادی دعوت می‌شدند که در کمیته معرفی حضور داشته باشند یا نه! حتی در یک سال به دلیل مشکلاتی که بین میرکمبی و مسئولان پیش آمده از اعزام فیلم او به اسکار خودداری کردند. حالا در این رسانه مهم پیشنهاد شده است آکادمی اسکار تغییری در آیین‌نامه معرفی فیلم برای بخش بهترین فیلم بین‌المللی بدهد و اختیار معرفی نماینده ایران را از بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان یک نهاد حکومتی بگیرد. این رسانه اشاره کرده که آیین‌نامه اسکار باعث شده است تا هیچ‌کدام از فیلم‌های پناهی و رسول‌اف تاکنون از جانب ایران به اسکار معرفی نشوند و نتوانند در رقابت اسکار شرکت کنند.